

روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع‌رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میتوموسوی مهر سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی

سال هفدهم ۹ خرداد ۱۴۰۵ ۳۳۱۴۴۱۰۵ شماره ۲۷۷۱

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ شماره ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR Mashhadchehreh.ir Photosahr.ir

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۹:۰۷ غروب آفتاب ۱۸:۴۲:۰۹ اذان مغرب ۱۹:۰۳:۰۶ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۶:۴۵ اذان صبح فردا ۰۲:۱۳:۲۲ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۱۶:۰۵

**تقویم تاریخ**

۱۹ دیهشت سالروز درگذشت **دکتر مهدی آذر** پزشک مشهور و وزیر فرهنگ در دوره نخست وزیری مرحوم دکتر محمد مصدق است که سال ۱۳۲۷ از دنیا رفت.

امروز سالروز درگذشت **دکتر محمود بزدی مطلق** از برجسته ترین پژوهشگران فلسفه و مصحح مشهوری نسخ خطی است که سال ۱۳۸۹ دارفانی را وداع گفت.

**کارتون شهر**

بدون شرح...

**بزرگ‌های روزهای جنگ**

بازی در زمین دشمن

خبررسانی کاری است و ساختن مرجعیت خبری کاری دیگر. در شرایط جنگی و بحرانی آنچه اهمیت بیشتری دارد خبررسانی است. اینکه مردم از آخرین وقایع و تحولات باخبر باشند، اضطراب آن‌ها را کاهش می‌دهد و آن‌ها را برای رویارویی با شرایط پیش‌بینی نشده آماده نگه می‌دارد. پس طبیعی است که رسانه‌ها همت خود را بیش از هر چیز بر خبررسانی سریع متمرکز کنند. اما وقتی از بحران فاصله می‌گیریم، وقت آن است که به مقوله مرجعیت خبری توجه کنیم.

می‌دانیم و می‌دانیم که «خبر» یک گزاره خبری ساده نیست. پشت‌پشت ظاهر ساده خبر، هم موضع نهفته است و هم جهت و تمام جزئیات یک خبر در راستای آن موضع و جهت تنظیم شده‌اند. خبر گزارش چیزی که واقع شده نیست. خبر آن چیزی است که تولیدکننده خبر دوست دارد ما و شما بدانیم. اما در اغلب زمینه‌ها داده‌های مستقل خبری قابل اعتمادی که خودمان فراهم آورده باشیم، در دست نداریم؟ از میزان تولید و صادرات نفت گرفته، تا حجم و تأثیر حملات موشکی ما به کشورهای متخاصم، حتی تعداد فیلم‌های تلویزیونی که در همین ایام جنگ ساخته شده‌اند. شاید دو مورد اول و دوم جزو اسرار اقتصادی یا نظامی باشند، اما مورد سوم را دقیقاً همین روز ذکر کردیم که هیچ جنبه محرمانه‌ای ندارد.

وابستگی به مراجع خبری بیگانه، یعنی سپردن میدان روایت به بیگانه، یعنی اعتماد به زیرساخت شناختی‌ای که دشمن فراهم کرده است، یعنی بازی در زمین دشمن. اینکه تصور کنیم ما خودمانیم که از میان اخبار گزینش می‌کنیم و با کنار هم قرار دادن اخبار متعدد، روایت درست را تدوین می‌کنیم، خیال باطل است. تا وقتی مرجع خبری بیرون از مرزهاست، ما داریم خوراکی را که بیگانه برایمان تدارک دیده مصرف می‌کنیم، حتی اگر میزگسترده‌ای چیده باشند، تا خودمان دست به انتخاب بزنیم.

پیامبر اکرم (ص):  
از دانشمندان پیرسید و با حکیمان گفت‌وگو کنید و با نیازمندان، همنشین شوید.

پاسداری از وحدت ملی، حکم ولی!

تأکید می‌کنند، «شکر این موهبت، اهتمام آحاد ملت. خصوصاً نخبگان فکری و سیاسی، از جمله نمایندگان مجلس به صیانت از این وحدت و پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی است.»

تفاوت‌های اجتماعی است. به فهم اولویت‌ها از شریای و تنظیم رفتار متناسب برسیم. چه همان گونه که در پیام ایشان تصریح شده است: «طرح و نقشه‌کوری دشمن، پس از جنگ تحمیلی و فشار اقتصادی و محاصره تبلیغاتی و سیاسی، ایجاد تفرقه و تجزیه اجتماعی برای جبران شکست‌های میدان نظامی و به زانو درآوردن ملت است.»

همه باید متوجه این ترفندها باشیم به ویژه آن‌ها که در صف مقدم، پرچم می‌گردانند. توجه داشته باشیم که پرچم ایران بالای سر همه باید باشد. همه مردم ایران، یادمان باشد که رهبر شهید انقلاب، هسته سخت نظام را ۹۰ میلیونی می‌دانستند. این هم یعنی همه مردم ایران. امروز تعهد به انقلاب و ولایت‌مداری جز در تمسک به

راه‌رهبر شهید و تنظیم رفتار در دایره هدایت‌های رهبر انقلاب نیست که تأکید دارند. لازم است تک‌تک جان‌فدایی‌هایی که دلشان برای اسلام و انقلاب یا استقلال و سربلندی ایران می‌تپد، از این پس، بیش از پیش، برای پاسداری از وحدت صفوف منسجم و به هم پیوسته ملت، اهتمام ورزند و اختلافات غیرموجه و حتی موجه را، به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند. و قولاً و عملاً، مظهر انسجام و یکپارچگی ملت باشند. ان‌شاء... ملتی که به برکت خون‌مطهر رهبر شهید و هزاران شهید والا مقام دیگر به ایستادگی مبعوث شده است، هرگز نباید در نقشه دشمنان بنشیند. پاسداری در مسیر وحدت، شتاب دادن دشمنان به گام‌های مخرب را در پی دارد. امروز آن‌چه واجب است، حفظ تمامیت ارضی و هویتی ایران عزیز است که با اقتدار نظام در همه حوزه‌ها میسر است.

تراشیدن دیپلماسی و تضعیف دیپلمات‌های ما هرگز به معنای تقویت میدان و تکرم میدان‌داران نیست. از قضا، عکس‌ماجرای صادق است: تقویت

تقوا، پارچه‌ای نیست که برخی به ادعا برای خود لباس کنند. به نخ و قیچی هم نمی‌شود آن را اندازه خود کرد. تقوا، رفتار مؤمنانه و زیست عادلانه است. فهم زمینه و ادراک زمانه است. مصداق دارد که با نگاه به آن می‌توان ادعا را تصدیق کرد. «از جمله مصداق تقوا، رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام بی‌بدیلی است که حول پرچم ایران اسلامی، به ملت بعثت یافته ارزانی شده و در زمره مهم‌ترین عوامل ظفر در مقابل شیطان بزرگ می‌باشد.»

این کلام راهنمای رهبر انقلاب است که باید مورد توجه همه باشد به ویژه کسانی که می‌خواهند به صفت «انقلابی» ممتاز باشند. انقلابی‌گری هم به اولویت دادن هيجان نیست که از قضا انقلابی، باید به رفتار عقلانی و حرکت در سپهر سیاست‌های کلان نظام متمایز شود. حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در ادامه نامه به مجلسیان

نه هر که به صورت نکوست سیرت زیبا در اوست. ولی ز باطنش ایمن میباش و غره مشو. کار اندرون دارد نه پوست. که خبث نفس نگردد به سال‌ها معلوم. توان شناخت به یک روز در شمایل مرد. که تا کجاش رسیده ست پایگاه علوم.

کتابت

گلستان سعدی

روایت اول

ققنوس‌های بی‌سنگر

نسل جوان امروز چطور جنگ تحمیلی سوم را فهم می‌کند؟



نداشت. جنگ برای آن‌ها پدیده‌ای بود که باید با آن ساخت، چون گزینه دیگری در دسترس نبود. سیستم روانی جامعه به نوعی مقاوم در برابر ریاضت اقتصادی و جنگی طراحی شده بود اما نسل امروز، نسل تکثر است. نسل فردیت تشدید شده. نسلی که طعم آرزوهای مدرن، برنامه‌ریزی برای آینده، باید بداند و پیشرفت، دنیای پیرامون خود را و اندازه‌ای می‌کند. آسیب‌پذیری روانی این نسل، بالاتر از نسل دهه ۶۰ است. این جنگ برای آن‌ها فقط تهدید جان نیست؛ بلعیده شدن آرزوها، دود شدن سرمایه‌های کوچک مادی و نابودی زحماتی است که برای ساختن یک زندگی عادی محتمل شده‌اند. نوسان‌های فلج‌کننده اقتصادی در حین بمباران‌ها، استرس از دست رفتن شغل و فروپاشی روانی، نسل امروز را شکننده کرده است و این بی‌سنگری روانی، یکی از دردناک‌ترین بخش‌های جنگ تحمیلی سوم است.

**مهرم زخم‌های ناپیدا**

تاب‌آوری این نسل با تمام شکنندگی‌ها، در این ماه‌ها ستودنی بود. این نسل واقع‌گرای سرسختانه‌ای دارد که فارغ از شعار و آرمان، او را سرباز نگه می‌دارد. درست در کوران روزهای آتش و خون، جوان ایرانی کارگاهش را تعطیل نکرد. پزشک و پرستار جوان در بیمارستان‌ها پای تخت بیماران ماندند. کارمندان به محل کار رفتند و زندگی روزمره حتی دست‌وپا روی تخت غلت می‌زند. نورآبی‌رنگ گوشی هوشمند، صورتش را روشن کرده است. چشم‌هایش صفحه قفل شده‌اند. انگشت شست، مدام صفحه را پایین می‌کشد. صفحه را به روزرسانی می‌کند، به روزرسانی و باز به روزرسانی. نوتیفیکیشن‌ها مثل ترکش شلیک می‌شوند. «فوری، برخاستن چنگند، ها از پایگاه‌های منطقه‌ای»، «فوری، برخورد یک موشک به ساختمانی در خیابان بهارستان»، «فوری موج چندم شلیک به سمت سرزمین‌های اشغالی» ... نسل دهه ۶۰، موج انفجار را با دیوار خانه‌اش حس می‌کرد و نسل امروز، پیش از لرزش دیوارها و شنیدن صدای پدافند و پرواز جنگنده‌ها، بانورون‌های مغزش آن را لمس می‌کند. پیش‌تر آدم‌ها در پناهگاه و در کنار هم با ترس روبه‌رو می‌شدند و نسل امروز، تنها ترس نسل تاریخ است؛ در خلوت اتاقش، با هندزفری توی گوشش، بی‌صدا با غول جنگ می‌جنگد. دود دنیا، دوامتسفر، دوامدل جان به لب شدن.

**کالبدشکافی دونسل**

در دهه ۶۰، جامعه ایران یک‌دست نبود؛ یک کل واحد. مردم در ساختاری آرمان‌گرایانه قد کشیدند و مفاهیمی مثل ایثار، فداکاری جمعی و تحمل سختی، مثل اکسیژن در هوا چرخ می‌زد. فردیت معنایی نداشت. همه چیز در کلمه «ما» خلاصه می‌شد. مردم در صف‌های طولانی کوبین، هویت مشترکشان را پیدا می‌کردند. تضاد فکری جدی وجود

**مریم شیعه زاده**

**تهران، اسفند ۱۳۶۵**

ساعت ۹ شب است. شهر تاریکی مطلق فرو می‌رود. تا چشم کار می‌کند، سیاهی می‌بیند و سیاهی. هربار که این چنین برق شهر خاموش می‌شود، مردم نمی‌دانند چند ساعت یا چند روز دیگر باید با این تاریکی عمیق سر کنند. صدای انفجار از دوردست‌ها می‌آید و اعضای یک خانواده هفت نفره، دور یک رادیوی دو موج کوچک مجاله شده‌اند.

توی زیرزمین خانه، تنها منبع نور، چراغ قوه باتری خوری است که امشب رمق ندارد. ناگهان صدای آید. این بار نزدیک‌تر. صدای وحشت‌آور فرم‌زاده دارد و صدای انفجار در چند کوچه بالاتر پایتین تر هم به آن اضافه می‌شود. مادر بزرگ زیر لب و پشت سرهم صلوات می‌فرستد. همسایه‌ها سراسیمه می‌دوند و محله به تکاپو می‌افتد. یکی از همسایه‌ها سرش را از پنجره بیرون می‌برد و خطاب به جوان‌های توی کوچه فریاد می‌زند «بیا این‌ها... بیا این‌ها...». زیرزمین بوی نم می‌دهد. همه با هم نشسته‌اند روی زمین. درد یکی است، ترس یکی است و اینجا، بالای جنگ، برای همه است.

**تهران، اسفند ۱۴۰۴**

ساعت ۹ شب است. آن بیرون روشن است و زیرزمین خانه‌ها جای خودشان را به پارکینگ‌های طبقاتی داده‌اند. هیچ آژیر قرمزی در خیابان فریاد نمی‌زند. یک نفر